

بسم الله الرحمن الرحيم

99/10/24

موضوع: چرا علمای اهل سنت از برگزاری مراسم فاطمیه می ترسند!؟

سخنرانی عمومی مسجد امام رضا علیه السلام

فهرست مطالب این برنامه:

نامه شرم آور «عبدالحمید» به مقام معظم رهبری!

آیا مراسم فاطمیه با وحدت شیعه و سنی منافات دارد!؟

قتل عام اسپایکر، نتیجه اهانت به مقدسات اهل سنت!

برخورد تند امام صادق نسبت به فرد اهانت کننده به مقدسات اهل سنت!

چرا علمای اهل سنت از برگزاری مراسم فاطمیه می ترسند!؟

وقتی سه روایت و دو آیه، پایه های اعتقادی یک مذهب را ویران می کند!!

آیا نقل رویداد تاریخی صدر اسلام، توهین به اهل سنت است!؟

دستور عجیب «ذهبی» به تمام علمای اهل سنت!

لطفاً این دو روایت را نخوانید!!

شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در منابع فریقین با سندهای صحیح!

ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

تقديم به پيشگاه مقدس با عظمت حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) صلواتی عنایت فرماید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين لاحول ولا قوة الا بالله العظيم
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاسْتَعْنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ
وَالْقُدْرَةِ وَالْجَبْرُوتِ

ثم الصلاة والسلام على سيدنا وسيد الاولين والآخرين حبيينا وحبیب اله العالمين الذي سمي في السماء
باحمد و فى الارض بابى القاسم محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين المكرمين
لاسيما مولانا وسيدنا حجة ابن الحسن (روحى واروح العالمين لتراب مقدمه الفداه)

قال رسول الله (صلى الله عليه واله وسلم): فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي

ايام شهادت جانسوز صديقه طاهره، فاطمه زهرا (سلام الله عليها) را به پيشگاه مقدس مولايمان بقیة الله
الاعظم و همه ارادتمندان به اهل بيت عصمت و طهارت و شما بزرگواران و گراميان تسليت و تعزيت عرض
میکنم.

خدا را به آبروی اين بانوی دو سرا سوگند می‌دهم، پاداش ما را فرج موفور السرور مولايمان بقیة الله الاعظم
(ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) قرار بدهد ان شاء الله.

نامه شرم آور «عبدالحمید» به مقام معظم رهبری!

سال گذشته که در اين محفل نورانی افتخار داشتيم در خدمت عزيزان بوديم، در رابطه با موضوع دفاع
صديقه طاهره از مقام ولايت و امامت، مفصل بحث کرديم.

امسال در فضای مجازی و در رسانه‌های متعلق به «وهاييت» بیش از یک ماه است شبانه روز، شبهاتی در
رابطه با مسئله «فاطمیه» مطرح می‌کنند که شاید در این 20 - 30 سال اخير بی‌سابقه بوده است.

حتی در این شبکه‌ها، ده تا، ده تا گوشی آیفون می‌آورند و می‌گویند اگر کسی شهادت حضرت زهرا را ثابت کند، ما این ده تا گوشی آیفون را به او جایزه می‌دهیم!!

همچنین بعضی از مسائل دیگری که من خجالت می‌کشم در این محفل نورانی مطرح کنم، یا در بعضی از محافل در داخل کشور توسط بعضی از علماء مطرح می‌شود که مسئله فاطمیه با وحدت منافات دارد و اگر «جمهوری اسلامی» داعیه وحدت میان شیعه و سنی را دارد، باید فاطمیه را تعطیل کند!!

علمای اهل سنت می‌گویند: این فاطمیه در حقیقت برای ما قابل تحمل نیست؛ در فاطمیه به مقدسات ما توهین می‌شود؛ به خلیفه توهین می‌شود و او را قاتل حضرت زهرا معرفی می‌کنند؛ و نامه دور از ادبی هم که اخیراً آقای «عبدالحمید» خدمت «مقام معظم رهبری» نوشتند که واقعاً خیلی شرم آور است و کمتر از نامه وقیحانه آقای «خوئینی‌ها» نبود.

آیا مراسم فاطمیه با وحدت شیعه و سنی منافات دارد!؟

من چند تا نکته را اینجا می‌خواهم به عنوان یک تکلیف و وظیفه خدمت شما عزیزان تقدیم کنم. بحث اول این است که آیا فاطمیه با وحدت منافات دارد یا نه؟

بنیانگذار وحدت، حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) بود. امروز هم پرچمدار وحدت «مقام معظم رهبری» است که ایام فاطمیه را با شور تمام در بیتشان و در «حسینیه امام» برگزار می‌کنند و سخنرانان هم قضایای شهادت صدیقه طاهره را مفصل مطرح می‌کنند.

اگر چنانچه این قضیه بنا باشد منافات با وحدت داشته باشد، قبل از هر کسی این بنیانگذاران و منادیان وحدت باید این مسئله را توجه داشته باشند.

چندی قبل پیامکی در فضای مجازی از قول «مقام معظم رهبری» منتشر شد، قبلاً هم یکی از عزیزان بیت، در مورد «مقام معظم رهبری» برای خود من نقل کرد و گفت: ایشان معمولاً به خاطر درد کمر و کسالتی که

دارند، حتی در روز عاشوراء و تاسوعا آخر جلسه حضور پیدا می‌کنند، ولی ایام فاطمیه از اول جلسه تا آخر جلسه حضور دارند.

خدمت ایشان عرض کردیم: آقا! با این کسالت شما یک مقداری سخت و مشکل است، مثل دیگر وفیات، آخر جلسه را حضور پیدا کنید. «مقام معظم رهبری» فرمودند: "من روزی یک ساله خودم و ملت را در ایام فاطمیه از حضرت زهرا می‌گیرم."

این نشان می‌دهد بر این که بحث فاطمیه یک بحث کوچکی نیست که ما بخواهیم با القای شبهات از آن دست برداریم؛ ولی این که در بعضی از جلسات به مقدسات اهل سنت توهین می‌شود، یا سب و شتم می‌شود، هیچ شکی نیست که این خلاف شرع است و حرام است و فتنه است.

(وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

فتنه از قتل بدتر است!

سوره بقره (2): آیه 191

بنده به توصیه آقایان مراجع، «حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی»، و «آیت‌الله العظمی سبحانی»، حدود 12 سال قبل در شبکه «المستقله»، سه شب در مناظره شرکت داشتم.

موضوع بحث ما هم سه شب، شهادت حضرت زهرا از منابع شیعه و سنی بود. این دو بزرگوار تأکید کردند که آنجا بگویید شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) مثل یک سکه دو رو است؛ یک روی سکه، مظلومیت حضرت زهرا، شهادت حضرت زهراست که ما با تمام توان این را برگزار می‌کنیم و به هیچ وجه کوتاه نخواهیم آمد.

و یک طرف دیگر سکه، مسئله قاتلین حضرت زهرا است که ما در یک زمینه کوچک‌ترین سخنی نمی‌گوییم و پژوهشگران و محققان را به منابع خود اهل سنت و به منابع تاریخی واگذار می‌کنیم؛ خودشان بروند بررسی کنند که عوامل شهادت حضرت زهرا چه بوده است؟

در آن سه شب، این‌ها سه نفر در یک طرف بودند، آقای دکتر «ابو شوارب» را از «دانشگاه اسکندریه مصر» آورده بودند. «حسن حسینی» وهابی و گستاخ را از «بحرین» آورده بودند و دکتر «هاشمی» را آورده بودند. ما هم در یک طرف بودیم.

این‌ها هر چه اصرار کردند که در رابطه با قاتلین حضرت زهرا بگوئید، من گفتم ما بنا نداریم در این زمینه سخنی مطرح کنیم.

در «بیت مقام معظم رهبری» مراسم فاطمیه برگزار می‌شود ولی اسمی از قاتلین حضرت زهرا به میان نمی‌آید. در بیوتات مراجع مطرح می‌شود، اسمی از قاتلین حضرت زهرا به میان نمی‌آید.

همین اندازه باید آقایان برای رعایت وحدت و تقریب میان مذاهب شاکر باشند؛ در بیوتات و آن دسته از افرادی که تابع رهبری و مراجع هستند رعایت می‌کنند.

قتل عام اسپایکر، نتیجه اهانت به مقدسات اهل سنت!

بله بعضی از جلسات و بعضی از منبری‌ها و بعضی از مداح‌ها رعایت نمی‌کنند. شما دیدید هفت، هشت سال قبل در «شبکه فدک» مربوط به آقایان «شیرازی‌های تشیع انگلیسی» نسبت به «عایشه» جسارت کردند. «مقام معظم رهبری» رسماً بیانیه داد و محکوم کرد به طوری که «شیخ الأزهر» از «مقام معظم رهبری» رسماً تقدیر کرد.

نتیجه اهانت به «عایشه» در شب 17 ماه رمضان و شب مرگ «عایشه» که این‌ها لباس قرمز پوشیده بودند و پایکوبی می‌کردند و «عائشه فی النار»، «عائشه فی النار» می‌کردند، نتیجه‌اش را در جریان «اسپایکر» دیدیم.

دوستان اگر به اینترنت بروند و فقط دو تا کلمه در گوگل بزنند: «اسپایکر - کلیپ» شاید بیش از 500 تا سایت کلپی را گذاشتند که «داعش» در روز دوم یا سوم تصرف «عراق»، 1700 نفر بچه شیعه را در

«دانشگاه نظامی شیعی» سر بریدند و تفنگ را روی شقیقه‌اش می‌گذارند و می‌گویند «هذا انتقام عائشه فی النار»؛ این هم نتیجه این اهانت‌ها!!

برخورد تند امام صادق نسبت به فرد اهانت کننده به مقدسات اهل سنت!

بعضی‌ها توجه ندارند. شما کتاب «اعتقادات» مرحوم «شیخ صدوق» با توضیحات «شیخ مفید» صفحه 108 را ملاحظه کنید. و این را «علامه مجلسی» رضوان الله تعالی علیه در «بحار» چاپ «ایران» جلد 74، صفحه 217، چاپ «بیروت» جلد 71 آورده است که:

«قِيلَ لَهُ إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُغْلِنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسُبُّهُمْ»

به امام صادق گفتند: بعضی از شیعه‌های تندرو می‌روند در مجلس می‌نشینند و بعضی از مخالفین، خلفاء و دیگران را نام می‌برند و سب و شتم می‌کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ»

چه مرضی دارد! خدا او را لعنت کند.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، دار

إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، 1403 ق، ج 71؛ ص 217

عزیزان اهل علم می‌دانند، روایتی که در کتاب‌های اعتقادی می‌آید، تمام قنطرهای رجال را گذرانده، به عنوان اعتقاد شیعه مطرح می‌شود.

چند روز قبل در فضای مجازی بحث و مناظره‌ای با یکی از این آقایان داشتیم، گفتم شما یک روایت صحیح السندی برای ما بیاورید که امیرالمؤمنین در دوران خلافتش یا در 25 سال دوران خانه نشینی اش، مخالفین را سب و شتم کرده باشد.

یا امام صادق در یک جلسه علنی نسبت به خلفاء و مقدسات اهل سنت سب و لعنی داشته باشد؛ گفتم یک روایت صحیح برای ما بیاورید. ما قبول داریم. امیرالمؤمنین با این که در خطبه 16 نسبت به «معاویه» می‌گوید:

«فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنِ اسْتَسَلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا عَلَيْهِ أَظْهَرُوهُ»

نهج البلاغة (للصباحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق / مصحح: فیض الاسلام، ص 374، خ 16

یعنی امیرالمؤمنین، «معاویه» را مسلمان نمی‌داند؛ ولی در خطبه 206 «نهج البلاغه» تعدادی از اصحابش مثل «عمار» و بعضی از بزرگان «معاویه» و دیگران را سب و لعن کردند، فرمود:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ»

نهج البلاغة (للصباحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق / مصحح: فیض الاسلام، ص 323، خطبه 206

سب و شتم کار کسی است که منطبق ندارد. به جای سب و شتم بیاید اعمال این‌ها را برای مردم بیان کنید.

چرا علمای اهل سنت از برگزاری مراسم فاطمیه می‌ترسند!؟

مشکل اصلی وجود دارد این که آقایان این قدر نسبت به فاطمیه، حساسیت نشان می‌دهند اگر دوستان یک مقداری خوب مطالب این‌ها را داشته باشند، مخصوصاً چند سال قبل در همایش ختم «صحیح بخاری» در «زاهدان»، آقای «گرگیچ» امام جمعه «آزادشهر» مطالبی آورد و عمده مطالبش هم ناظر به قضیه فاطمیه بود.

ایشان گفت: "در ایام فاطمیه که شیعیان مراسم می‌گیرند، این مانع وحدت است، توهین به اهل سنت است، توهین به مقدسات ما است". ولی در لابه‌لا یک مطالبی داشت که بیت القصید حرفش این بود: "این قضایا باعث می‌شود یک سری جوان‌های ما دچار تردید و شبهه و شک بشوند."

چون قضیه فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قضیه ساده‌ای نیست، مثل شهادت حضرت امیر (سلام الله علیه)؛ حتی قضیه شهادت امام حسین! به طوری که آقا امام صادق (سلام الله علیه) فرمود: گرچه شهادت امام حسین برای ما خیلی سخت است، ولی هجوم به خانه زهرا و شکستن حرمت حضرت زهرا، برای ما از عاشوراء تلخ‌تر است؛ چون فاطمه زهرا، سند حقانیت شیعه است، ملاک بطلان غیر مذهب شیعه است!

شما ببینید «مرکز ابحات عقائدی» که تحت اشراف آیت‌الله العظمی «سیستانی» است، کتابی نوشتند که تا الان ده دوازده جلدش چاپ شده به نام «موسوعة من حياة المستبصرين» در شرح حال علمای اهل سنت، وهابیه و دیگران که شیعه شدند.

من می‌توانم ادعا کنم وقتی شما مراجعه کنید می‌بینید بالای 40-45 درصد عوامل شیعه شدن این افراد، قضیه حضرت زهرا بوده است.

چون صدیقه طاهره (سلام الله علیها) سند بطلان غیر شیعه است. لذا عزیزان اهل سنت، علمای بزرگ اهل سنت از این قضیه بسیار نگرانند که در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» که اصح الکتب بعد از قرآن است، این قضیه مطرح شده و حتی در همایش «صحیح بخاری زاهدان» گفتند کسی اگر بخواهد در رابطه با سند احادیث «بخاری» تحقیق کند، این «زندیق» و «ملحد» است!! یعنی این قدر برایشان اهمیت دارد.

وقتی سه روایت و دو آیه، پایه های اعتقادی یک مذهب را ویران می کند!!

در همین «صحیح بخاری» جلد 3، صفحه 1361، حدیث 3510 دارد:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي»

فاطمه، پاره وجود من است! هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورد.

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1361، ح 3510

این که بعضی‌ها می‌گویند پاره تن من است، اشتباه است؛ «بضعه منی» نه «من جسدی» در روایات دیگر

هم است «ابن صباغ مالکی» دارد که پیامبر فرمود:

«وهي قلبي وروحي التي بين جنبي، فمن آذاها فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله»

الفصول المهمة في معرفة أحوال الأئمة؛ علي بن أحمد بن عبد الله المكي المالكي، المشهور بابن

الصباغ (784 - 855 ق)؛ ج 1 ص 664

فاطمه پاره وجود من است، غضب فاطمه، غضب من است. آقای «مسلم» در صحیح شان جلد 7، صفحه

141، البته این‌ها چاپ‌های مختلفی دارد، من معمولاً در بحث‌هایم از چاپ «دار الفکر للطباعة والنشر

بیروت» جلد و صفحه‌اش را می‌گیرم و شماره‌اش را هم از چاپ «عربستان سعودی»، «بیت الأفكار الدولیه»

می‌گیرم، جلد 7، صفحه 141، حدیث 6202

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا»

فاطمه پاره وجود من است اذیت فاطمه، اذیت من پیغمبر است.

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1903، ح 2449

این یک طرف و رکن قضیه است، رکن دیگر قضیه، آقای «بخاری» نقل می‌کند:

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

فاطمه دختر پیغمبر بر خلیفه اول غضبناک شد و تا آخرین لحظات حیاتش هم با او آشتی نکرد و با غضب از او از دنیا رفت.

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1126، ح 2926

باز آقای «بخاری» در «صحيح بخاری» جلد4، حدیث 3998 یک حدیث را دو تا شماره گذاشتند این که چه رمزی است ما نفهمیدیم! دارد که:

«وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ»

فاطمه با حال غضب از دنیا رفت خبر شهادتش را حتی به کسی که خلیفه مسلمین است خبر ندادند، امیر المؤمنین فاطمه را شبانه دفن کرد.

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة ، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 4، ص 1549، ح 3998

شما این دو تا روایت را کنار هم بگذارید که می فرماید فاطمه پاره تن من است، هر کس فاطمه را بیازارد مرا آزرده است، فاطمه را به غضب بیاورد من را به غضب آورده؛ از آن طرف هم:

«فَعَصِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1126، ح 2926

«بیهقی» در «دلائل النبوة»، از «شعبی ناصبی» که در مجالس رسماً امیرالمؤمنین را سب می‌کرد، یک روایتی می‌آورد بر این‌که آمدند رضایت گرفتند در حالی که «بخاری» می‌گوید: «فغضبت علی ابی بکر فلم تکلمه حتی توفیت»؛ این‌ها کنار هم قرار گرفته می‌شود قرآن از یک طرف می‌گوید:

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا)

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

سوره احزاب (33): آیه 57

در آیه دیگر:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند!

سوره ممتحنه (60): آیه 13

لذا این جریان فاطمیه، کل پایه‌های اعتقادی این‌ها را به هم می‌زند، یک جوان سنی وقتی این‌ها را مطالعه می‌کند، جرقه‌ای در ذهنش ایجاد می‌شود که برود تحقیق کند.

بنده خدمت «آیت‌الله العظمی جواد آملی» بودم، ایشان می‌فرمود: "این‌ها را بگویید بگذارید جوان‌های اهل سنت این‌ها را بشنوند و بدانند چه مطالبی در کتاب‌های‌شان آمده، شاید همین‌ها نقطه آغاز تحقیق و روشن شدن این‌ها باشد."

عین عبارت حاج آقای «جوادی» همین بود: "اگر این‌ها را نگویید قطعاً پیش خدای عالم مسئول هستید." بعد ایشان این جمله حضرت امیر را در «نهج‌البلاغه» می‌گوید که شماها که از امیر المؤمنین بیشتر نسبت به مسائل وحدت دغدغه ندارید؛ حضرت در نامه 53 «نهج‌البلاغه» می‌گوید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

نهج البلاغة (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 435، نامه 53

این تعبیر حضرت علی است که خود منادی وحدت است و به خاطر رعایت وحدت، 25 سال خون دل خورد. به طوری که فرمود:

«فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدِّي وَ فِي الْخَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا»

نهج البلاغة (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 48، خ 3

من از دوستان عزیز تقاضا می‌کنم شرحی که حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی بر «نهج‌البلاغه» دارند و به صورت گروهی هم انجام شده، اگر اشتباه نکنم جلد 10، خطبه 150 را ببینید.

من ندیدم از شارحین حتی «میرزا حبیب‌الله خوئی»، حتی «ابن میثم بحرانی» این‌طور حق مطلب را نسبت به خطبه 150 ادا کرده باشد. من بیانات ایشان را وقتی خواندم، واقعاً لذت بردم، آن هم یک فقیهی که خودش امروز پرچمدار وحدت است. جلسات مبارزه با تکفیر هم دارد و مثل بعضی از آقایانی که تابع تفکرات «غربی» و «تشیع انگلیسی» هستند هم نیست. فرمود:

«إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ»

وقتی پیغمبر که از دنیا رفت این‌ها به اعقاب و دوران جاهلیت برگشتند.

تا آنجایی که دارد:

«وَذَهَلُوا فِي السَّكْرَةِ عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

نهج البلاغة (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 209، خطبه 150

از این واضح تر و روشن تر؟! ایشان می فرماید «ابن ابی الحدید» خیلی دارد تلاش می کند و دست و پا می زند که این خطبه را به دوران عثمان و عمال عثمان بچسباند؛ ولی جمله حضرت امیر که در اول خطبه می گوید: «قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ»؛ مربوط به خلفای اول و دوم است.

ایشان با صراحت بیان می کند و می گوید ما نمی توانیم از ظاهر خطبه، با توصیه های نامعقول آقای «ابن ابی الحدید» دست بر داریم. ما از علی (سلام الله علیه) که نمی توانیم مسئله وحدت را بیشتر رعایت کنیم.

مسئله غصب خلافت شاید در بیش از 20 خطبه «نهج البلاغه» مطرح شده با واژه:

«سَلْبُونِي سُلْطَانَ ابْنِ أُمِّي»

و من گمان نمی کردم که این ها حق مسلم من را غصب بکنند.

نهج البلاغة (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 409، نامه 36

واژه کلمه «غصب» در منابع اهل سنت به کرات آمده، وقتی می بینند قضیه از این قرار است که مسئله شهادت حضرت زهرا یک فاطمیه رسمی نیست، یک عزاداری تشریفاتی نیست، یک شعار مذهبی نیست، مثل عزاداری امام حسین (سلام الله علیه) و عزاداری دیگر شهادت معصومین (سلام الله علیهم) نیست!

آیا نقل رویداد تاریخی صدر اسلام، توهین به اهل سنت است!؟

بلکه شهادت حضرت زهرا و فاطمیه، هم برای جوان‌های شیعه اعتقادات‌شان را محکم و قوی می‌کند، و هم این‌که برای دیگران و تحصیل کرده‌ها و اندیشمندان اهل سنت مسئله را باز می‌کند که بروند کار کنند، تحقیق و بررسی کنند و تاریخ اول اسلام را مطالعه کنند.

تعبیری که «مقام معظم رهبری» داشتند اگر اشتباه نکنم در غدیر سال 92 بود که فرمودند: "ما نمی‌خواهیم بر این‌که هیچ مذهبی برگردد تابع مذهب دیگر باشد، ولی من از علمای اهل سنت تقاضا دارم کتاب «الغدیر» را مطالعه کنند، کتاب «المراجعات» را مطالعه کنند و ببینند چه مطالبی در این کتاب‌ها است؟"

اگر بنا باشد که ما هر مسئله‌ای را بخواهیم مطرح بکنیم، این آقایان بگویند این منافات با وحدت دارد و یا توهین است، که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و ما اصلاً نباید دیگر هیچ مطلبی را بیان کنیم.

یک جمله‌ای را یادداشت کردم، این را من دوست دارم عزیزان خوب دقت کنند. «مقام معظم رهبری» در بیست و یکمین سالگرد ارتحال امام خمینی 14 خرداد سال 89 مطلب هم در «سایت خامنه‌ای دات کام» است.

هم «خبرگزاری فارس» آورده و هم «خبرگزاری تسنیم» آورده و همه خبرگزاری‌ها این فرمایش «مقام معظم رهبری» را آوردند.

ایشان فرمود: "در این زمینه سوابق طولانی و درخشان «طلحه» و «زبیر» در صدر اسلام و سپس تغییر موضع آنان را باید مورد مطالعه قرار داد، برخورد قاطع امیرمؤمنان با «طلحه» و «زبیر»، نمونه‌ای تاریخی از ضرورت توجه به حال کنونی افراد در هرگونه قضاوت و ارزیابی است."

این یک نکته خیلی اساسی و مهم است که یک کسی 10-20 سال با انقلاب بوده؛ ولی امروز به تعبیر حضرت امام، ملاک فعل حالی افراد است.

می‌گوید «طلحه» و «زبیر» ملاکی است که ما مطالعه کنیم با آن سوابق، تغییر موضع دادند و در برابر امیرالمؤمنین ایستادند، این‌ها را اگر ما ملاحظه کنیم نسبت به بعضی از این‌هایی که داعیه انقلابی داشتند و تغییر موضع دادند، خیلی از مسائل حل می‌شود.

بلافاصله آقای «عبدالحمید» که خودش را رهبر اهل سنت ایران می‌داند، در یکی از سخنرانی‌هایش که من عین عبارتش را می‌خوانم تا تحریفی صورت نگرفته باشد گفت: "جامعه اهل سنت که بیش از 1 میلیارد از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهد، این‌گونه تشبیهات نامناسب را اهانت به مقدسات خویش تلقی نموده، و نسبت به آن اعتراض می‌کنند، اهل سنت هیچ گاه تصور نمی‌کردند «مقام رهبری» که همواره نسبت به اهانت به بزرگان و مقدسات یکدیگر به کرات هشدار داده‌اند، این تشبیه را در مراسم سالگرد ارتحال امام راحل به کار ببرند که مایه نگرانی اهل سنت در سطح کشور گردیده است."

اگر ما بخواهیم تاریخ صدر اسلام را حتی از منابع آن‌ها بیان کنیم می‌گویند این توهین به مقدسات ما است!! آقای «طلحه» و «زبیر» در «بصره» آمدند در برابر علی ایستادند، حالا ما بگوییم چه کار کردند؟ آقایان آمدند آنجا چه کار کنند؟ آیا با هم فوتبال بازی می‌کردند و با زدن توپ به همدیگر 30 هزار نفر کشته شدند!! این‌طوری باید بگوییم؟

«جنگ صفین» 18 ماه طول کشیده، بگوییم بله آن‌جا آمدند تمرین بوکس داشتند، کاراته بازی می‌کردند در این وسط 110 هزار نفر کشته شدند! این را باید بگوییم؟! یا نه بیایم تاریخ را آن‌گونه که هست برای مردم بازگو کنیم.

وقایع «صدر اسلام» را برای مردم و جوان‌ها بویژه برای روشنفکران اهل سنت واضح کنیم و دست این‌ها را بگیریم به سرچشمه ببریم.

دستور عجیب «ذهبی» به تمام علمای اهل سنت!

آقای «ذهبی» در کتاب «سیر اعلام النبلاء» که بهترین و مفصل‌ترین کتاب «ذهبی» است، و «ذهبی» خودش از استوانه‌های علمی اهل سنت است و می‌گویند اهل سنت ریزه خوار کنار سفره چهار نفر هستند: «زین الدین عراقی»، «ابن حجر عسقلانی»، «مزی» صاحب «تهذیب الکمال» و «ذهبی»!

«ذهبی» برای اهل سنت بلا تشبیه مثل «شیخ طوسی» برای ماست. ایشان در کتاب «سیر اعلام النبلاء» جلد 10، صفحه 92 می‌گوید هر چه در تاریخ در مذمت صحابه، درگیری صحابه، و قتال صحابه است؛

«فینبغی طیه وإخفاؤه بل إعدامه»

سیر أعلام النبلاء؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: 748، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ج10، ص92

می‌گوید: تمام این‌ها را باید ما نابود کنیم و از بین ببریم تا جوان‌های ما این درگیری‌های صدر اسلام بین صحابه را مطالعه نکنند!!

لطفاً این دو روایت را نخوانید!!

وقتی آقای «ابن سقاء» که خود «ذهبی» از او تعبیر «الإمام» دارد، واژه «الإمام» در میان اهل سنت مثل واژه "مرجع عالیقدر جهان تشیع" در تعبیر ماست. و خودش هم می‌گوید اگر درباره کسی «امام» گفتند مذمت هیچ احدی و جرح هیچ جارحی را ما قبول نمی‌کنیم.

می‌گوید: امام «ابن سقاء» بالای منبر رفت حدیث طیر را مطرح کرد که برای رسول اکرم «طیر مشوی» و یک مرغ بریانی آورده بودند فرمود خدایا:

«اللَّهُمَّ ائْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَأْكُلُ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّيْرِ فَجَاءَ عَلِيٌّ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء
- الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي؛ ج 7، ص 82،

ح 6437

یعنی کسی را بفرست تا این مرغ بریان را همراه من بخورد. علی آمد، «ابن سقاء» بالای منبر این را گفت،
این بدبخت مادر مرده را از منبر پایین کشیدند، کتک زدند و منبر را آب کشیدند گفتند منبری که فضائل
علی گفته شود آن منبر، نجس است!!!

جمله مهم‌تر از همه این‌ها من یک نکته‌ای را همین الان که داشتم می‌آمدم یادداشت کردم، «عبدالله
شداد» که از علمای بزرگ اهل سنت است و از روات «صاح سته» است یعنی: «صحیح بخاری»، «صحیح
مسلم» و ... آقایان می‌گویند یکی از نشانه‌های وثاقت، ورود راوی در اسانید «صحیحین» است.

ایشان می‌گوید:

«قال عطاء بن السائب سمعت عبد الله بن شداد يقول وددت أني قمت على المنبر من غدوة إلى
الظهر فأذكر فضائل علي بن أبي طالب رضي الله عنه ثم أنزل فيضرب عنقي»

دوست دارم یک روز از صبح تا ظهر بالای منبر بروم، فضائل علی را بگویم بعد از منبر بیایم پایین
گردنم را بزنند.

سير أعلام النبلاء؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: 748،
دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، محمد
نعيم العرقسوسي، ج3، ص 489

این‌ها درد است. من از این نمونه‌ها شاید بیش از 500 مورد دارم که این‌ها حتی با اهل سنتی که فضائل
علی را نقل کردند، چه برخوردهای خشنی داشتند.

ما شیعه را کنار می‌گذاریم؛ من بارها گفتم ما باید قدر فاطمیه‌ها و عاشوراها را بدانیم این مذهب به این سادگی به دست ما نرسیده، این مذهب از لابه‌لای خون و شکنجه به دست ما رسیده است.

ما باید این مذهب را حفظ کنیم. همان‌گونه‌ای که گذشتگان حفظ کردند، و به نسل آینده برسانیم. «حجر ابن عدی»‌ها را در بیابان وادار کردند به علی سب کند، نکرد، شش نفر را مظلومانه مثل گوسفند ذبح کردند. «عمرو بن حَمِقْ خُزاعی» را سر بریدند، سر بریده‌اش را در تمام شهرها چرخاندند، می‌گویند اولین سری که در میان شهرها چرخانده شده، سر «عمرو بن حَمِقْ خُزاعی» بود.

«میثم تمار» را خدا می‌داند وقتی من اسم این مرد را می‌برم، واقعاً در برابر عظمت و مقاومت و استقامتش تعظیم می‌کنم، ایشان خدمت امیرالمؤمنین می‌آید، امیر المؤمنین می‌گوید: «میثم» چه حالی خواهی داشت آن وقتی که تو را به براءت از من و سب و لعن من دستور بدهند؟ گفت: آقا هرگز سب نمی‌کنم، گفت تو را می‌کشند، زبانت را می‌برند. جواب را ببینید گفت: آقا! جان و زبان من که لیاقت فدایی تو را ندارد!

وقتی «عبیدالله زیاد» دستور داد «میثم» را دار بزنند دست و پایش را بریدند و گفت علی گفته زبانم را می‌برند گفت: من برای این که مخالفت با علی کنم زبانت را نمی‌برم، «میثمی» که دستش بریده شده خون جاری است، پایش بریده شده و از آن خون جاریست، بالای چوبه دار زده‌اند، همان‌جا می‌گوید آی مردم چند لحظه‌ای که از عمر من باقی است جمع شوید مطالبی که از علی شنیده‌ام برای شما بگویم.

بدون این که بگوید "ای وای دستم" و "ای وای پایم"، "دارم شکنجه می‌شوم و زجر می‌کشم". آمدند به «عبیدالله» گفتند خانه‌ات ویران، اگر «میثم» سخنانی کند مردم «کوفه» را علیه تو می‌شوراند. گفت: سریع به جلاد بگویند برود زبانش را ببرد، آمدند زبانش را هم بریدند.

برادران عزیزم، سروران گرامم، اساتید بزرگووارم، فرزندانم همان‌طوری که عرض کردم این تشیع از لابه‌لای خون و شکنجه به دست ما رسیده، به این سادگی نرسید که ما بخواهیم به این سادگی از فاطمیه دست برداریم و یا از عاشورا دست برداریم.

مرحوم «مظفر» در «دلائل الصدق» دارد که یکی از علمای اهل سنت برگشت گفت که امام حسین 1400 سال قبل از دنیا رفته، شما هر سال مراسم دارید مگر چه است؟ جواب داده شد: ما «غدیر» را ساده گرفتیم شما منکر شدید، می‌ترسیم عاشورا را هم اگر ساده بگیریم شما بگویید امام حسین سرما خوردگی داشت، یا آنفولانزا داشت از دنیا رفت «رحم الله من قراء الفاتحه»!!

ما این فاطمیه‌ها را هر چه باشکوه‌تر و با معنویت‌تر برگزار کنیم و پیام فاطمیه را هم برای مردم و جوان‌های مان باید بگوییم که این مذهب به آن‌گونه‌ای که به دست ما رسیده به دست آیندگان برسد.

شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در منابع فریقین با سندهای صحیح!

نکته دیگری که وجود دارد این را هم عرض کنم در رابطه با قضیه شهادت حضرت زهرا که این‌ها امروز این‌طور در شبکه‌ها و در فضای مجازی می‌گویند هر کس شهادت حضرت زهرا ثابت کند ما این‌قدر جایزه به او می‌دهیم.

الان تقریباً دو سه هفته است هر روز مثل تبلیغات پفک و ... در شبکه‌های‌شان مطرح می‌کنند، اولاً شهادت حضرت زهرا در منابع اهل سنت آقای «حموی جوینی» در «فرائد السمطین» جلد 2، صفحه 34 با کلمه: «مقتولة» از نبی مکرم نقل می‌کند که فرمود:

«فَتَكُونُ أَوْلَ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدُمُ عَلَيَّ مَخْرُونَةً مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْضُوبَةً مَقْتُولَةً»

فرائد السمطین، حموی جوینی، ج 2، ص 34 و 35، ناشر: مؤسسة المحمودی - بیروت، 1400 هـ.

«جوینی» استاد «ذهبی» است. ایشان درباره «جوینی» می‌گوید:

«الإمام المحدث الأوحد الأكمل فخر الاسلام»

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى؛ ج 4، ص 1500

در منابع شیعه بیش از 20 روایت صحیح السند در رابطه با شهادت حضرت زهرا داریم. اصلاً واژه «شهادت» به کار رفته است. اینها دنبال اثبات یک روایت هستند من فقط یکی دو مورد از اینها را خدمت عزیزان عرض می‌کنم.

در کتاب «کافی»، چاپ «لبنان بیروت» جلد 1، صفحه 291، چاپ «ایران» چاپ آخوندی، صفحه 458 و روایت صد در صد صحیح از امام کاظم (سلام الله علیه) که فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ»

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 458، بَابُ مَوْلِدِ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ (عليها السلام)، ح 2

مرحوم «علامه مجلسی» در «مرآة» جلد 5، صفحه 315 می‌گوید:

«الحديثُ صحيحٌ»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حقیق / مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، ج 5، ص 315

مرحوم آیت‌الله العظمی «خویی»، آیت‌الله العظمی «شیخ جواد تبریزی» (رضوان الله علیهما) در کتاب «صراط النجاة» جلد 3، صفحه 444 می‌گویند این روایت «کافی» در شهادت حضرت زهرا صحیح است.

دنبال روایت صحیح می‌گردید؟ مرحوم «مجلسی اول» در «روضه المتقین» آدرسش دقیق در ذهنم نیست، آن‌چه در ذهنم است جلد 5، صفحه 340 یا 341 است می‌گوید این روایت صحیح است. چهار تن از اعظم و بزرگان ما می‌گویند روایت صحیح است، شما می‌گویید یک روایت صحیح بیاورید.

روایت دیگری مرحوم «کراچکی» در کتاب «کنز الفوائد» که از کتاب فقهی ایشان است در جلد 4، صفحه 369 روایتی در شهادت حضرت زهرا دارد که روایت صد در صد صحیح است.

و مرحوم «ابن قولویه» در «کامل الزیارات» که به تعبیر آیت‌الله العظمی «خویی» تمام روات «کامل الزیارات» و «تفسیر علی ابن ابراهیم» ثقه هستند چون در اولش گفته‌اند ما جز از ثقه نقل نمی‌کنیم، در صفحه 539 و 541 شهادت حضرت زهرا را به صراحت مطرح کرده.

در کتاب «سُلیم» که از کتاب‌های معتبر و مرحوم «نعمانی» در «الغیبة» می‌گوید از کتاب‌های معتبر شیعه در طول تاریخ بوده و مرحوم آیت‌الله العظمی «خویی» هم در شرح حال «سلیم ابن قیس» می‌گوید:

«وثيقة السليم مما لا ريب فيه»

و هم اعتبار کتاب «سلیم» را اثبات می‌کند و کسانی که اشکال کرده‌اند تک تک اشکال‌ها را آورده و جواب‌های محکم و دندان شکن داده است.

در حدود 6-7 جای کتاب «سلیم» قضیه سوزاندن در خانه حضرت زهرا با سند صحیح آمده، شکستن پهلوی حضرت زهرا آمده و شهادت محسن آمده و شهادت حضرت زهرا با واژه قاتل فاطمه «یقتلُهُ و امثاله» آمده.

ما نزدیک 20 روایت صحیح و معتبر درباره شهادت حضرت زهرا داریم، از همه این‌ها بالاتر مرحوم «علامه مجلسی» در «مرآة العقول»، «شرح کافی» جلد 5، صفحه 318 می‌فرماید:

«أن فاطمة صلوات الله عليها كانت شهيدة و هو من المتواترات»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حقق /

مصحح: رسولى محلاتى، هاشم، ناشر: دار الكتب الإسلامية، ج 5، ص 318

از این بهتر می‌خواهند؟ آن هدایایی که گفتید ما می‌دهیم ما می‌گوییم شما «وهابی»ها پول‌تان حرام است در هر خانه‌ای پول شما برود برکت از آن خانه را بر می‌دارد. کلاً مال خودتان باشد. این روایات صحیح! مرد هستید راست می‌گویید این بحث‌های ما را در شبکه‌های‌تان پخش کنید.

ولذا این قضایا باید در این جلساتی که مطرح می‌شود ناظر باشد به شبهاتی که امروز در فضای مجازی است که عرض کردم به تعبیر «مقام معظم رهبری» قتلگاه جوان‌ها شده، این‌ها را ما باید با دقت تمام مطرح کنیم تا جوان‌های ما فریب بعضی از این فضای مجازی و شبکه‌های شیطانی «وهابی» را نخوردند.

ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

من عرائض دیگری هم داشتم ولی برای رعایت اختصار و این‌که ان شاء الله از مداح عزیز استفاده کنیم به همین اندازه بسنده می‌کنم و عرضه می‌داریم یا فاطمة الزهرا ما با تو و همسر گرامیت علی و فرزند بزرگواریت حجت ابن الحسن عهد و پیمان می‌بندیم تا آخرین نفس‌مان از فاطمی‌ها حمایت کنیم و با تمام توان این فاطمی‌ها را برگزار کنیم.

بر فراز منبرت گردید حقم پایمال بابا ** هرچه نالیدم لبی هم در جوابم وا نشد

بهر ذی القربا مؤدت خواست قرانت ولی**جز به قلب من ادا حق ذوی القربا نشد

همسر چون من براه شوهر خود جان نداد ** کودکی چو محسنم قربانی بابا نشد

ای قلم بنویس، ای تاریخ در خود ثبت کن ** یکنفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

به خون دیده بنویسید بر دیوار این کوچه ** که این‌جا کشته‌ی راه ولایت گشته بانویی

مدینه ثبت کن این را که در امواج دشمن‌ها ** حمایت کرد از دست خدا بشکسته بازویی

علی ید الله است؛ ولی «سلیم ابن قیس» می‌گوید وقتی داشتند علی را می‌بردند زهرای مرضیه دم در حائل شد، میان «قنفذ» و میان علی نتوانستند؛ «قنفذ» آن‌چنان ضربه‌ی شدید با غلاف شمشیر به بازوی حضرت زهرا زد که حضرت زهرا نقش بر زمین شد با دست شکسته، پهلویش شکسته، سینه‌اش که خون جاریست نگفت کمرم، نگفت پهلویم، با همان حال دوان دوان آمد مسجد علی را از دست آن‌ها نجات داد و دست علی را گرفت به خانه آورد دو زانو در برابر علی نشست:

«يا اَبَالحَسَنِ رُوحى لروحِكَ الفِداءِ نَفْسى لِنَفْسىكَ الوَقا»

علی جان من زهرا فدای تو، من پیش مرگ تو هستم، در تمام خوبی‌ها در تمام سختی‌ها زهرا در کنار توست.

«أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

خدایا تو را به پهلوی شکسته زهرا، به سینه مجروح زهرا قسم می‌دهیم فرج فرزند زهرا را هر چه سریع‌تر برسان. ما را از یاران خاص سربازان فداکار، از شهدای رکابش قرار بده. تمام خدمتگزاران اسلام و قرآن و مراجع عظام تقلید، بالأخص مقام معظم رهبری از جمیع بلیات حفظ بفرما. گرفتاری‌ها را برطرف کن، حوائج همه ما برآورده نما، دعا‌های ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین و صالحین بالاخص روح آن‌های که در طول تاریخ مراسم فاطیمیه را هر چه باشکوه‌تر برگزار کرده‌اند صلوات غزای ختم بفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ